تعويذ

به چرک مي‌نشيند

خنده

به نوارِ زخم‌بندی‌اش ار

ببندی.

رهايش کن

رهايش کن

اگر چند

قيلوله‌ی ديو

آشفته مي‌شود.

□

چمن است اين

چمن است

با لکه‌های آتش‌خونِ گُل

بگو چمن است اين، تيماجِ سبزِ ميرِ غضب نيست

حتا اگر

ديری‌ست

تا بهار

بر اين مَسلخ

برنگذشته باشد.

□

تا خنده‌ی مجروح‌ات به چرک اندر ننشيند

رهايش کن

چون ما رهايش کن!

۲۶ تيرِ ۱۳۵۱